

درس اول

تاریخ ادبیات

شعر «ای همه هستی ز تو پیدا شده» از کتاب «مخزن الاسرار» نظامی انتخاب شده است.
کتاب «آفریده‌های ساکت خدا» اثر «نانسی سویتلند» و ترجمه‌ی «حسین سیدی» است.
متن درس «تماشاخانه» از کتاب «آفریده‌های ساکت خدا» است.
شعر «رقص باد، خنده‌ی گل» سروده‌ی پروین دولت آبادی است.

معنی و مفهوم درس

ستایش

خاک ضعیف از تو توانا شده

ای همه هستی ز تو پیدا شده

ای خدایی که تمام هستی و جهان به خاطر وجود تو آفریده و آشکار شده است و انسان به خاطر وجود تو توانا و قدرتمند گشته است.

هم تو ببخشای و ببخش ای کریم

از پیِ توست این همه امید و بیم

این همه امید و آرزو و این همه ترس و بیم به خاطر توست. ای خدای بخشنده، هم گناهان ما را ببخشا هم چیزهای خوب را به ما عطا کن. (ببخش.)

گر تو برانی، به که روی آوریم؟

چاره‌ی ما ساز که بی‌یاوریم

خدایا چاره ساز و مشکل‌گشای کار ما باش که ما به جز تو یآوری نداریم. اگر تو به ما توجه نکنی پس ما با چه کسی رازهایمان و دردهایمان را بگوییم؟ (به چه کسی پناه بیاوریم؟)

گر ننوازی تو، که خواهد نواخت؟

جز در تو، قبله نخواهیم ساخت

به جز تو کسی را ستایش نمی‌کنیم و حاجتمان را فقط از تو می‌خواهیم. اگر تو ما را مورد لطف قرار ندهی هیچ‌کس نمی‌تواند به ما مهربانی و لطف کند.

چاره کن ای چاره‌ی بیچارگان

یار شو، ای مونسِ غمخوارگان

ای همدم و یار همه‌ی غم‌خوارها و مشکل‌دارها، یار و همدم ما باش و ای چاره‌ساز دردهای بیچارگان، مشکلات ما را رفع کن.

تماشاخانه

مثلاً کوه‌های سر به فلک کشیده را با دره‌های عمیق، گل را با خار، زنبور عسل را با خرمگس، بهار را با زمستان مقایسه کنیم.

مثلاً کوه‌های بسیار بلند را با دره‌های عمیق، گل را با خار، زنبور عسل را با خرمگس و بهار را با زمستان مقایسه کنیم.

عالم تماشاخانه‌ی شگفتی‌های آفرینش است.

دنیا محل تماشا کردن شگفتی‌ها و عجایب آفرینش است.

این جهان، دفتری است که خدای مهربان، به پاکی و زیبایی در آن نگاه داشته و می‌نگارد.

این دنیا، مانند دفتری است که خدای مهربان به پاکی و زیبایی تمام در آن نقاشی کرده است و نقاشی می‌کند.

رقص باد، خنده‌ی گل

سبزه‌زاران، رفته رفته، زرد گشت

باد سرد، آرام بر صحرا گذشت

باد سردی آرام آرام در صحرا وزید و کم‌کم سبزه‌ها و چمن‌زارها زرد شد.

زرد شد آن چتر شاداب و قشنگ

تک درخت نارون، شد رنگ‌رنگ

برگ‌های تک درخت نارون، رنگارنگ شد و آن برگ‌های چترمانند شاداب و زیبایش، زرد شد.

رشته‌های بیدبن از هم گسیخت

برگ برگ گل به رقص باد ریخت

با وزش باد، برگ‌های گل یکی یکی بر زمین ریخت و رشته‌های درخت بید از هم جدا شد.

باغ و بوستان، ناگهان در خواب شد

چشمه کم کم خشک شد، بی‌آب شد

کم کم چشمه خشک و بی‌آب شد و ناگهان تمام باغ‌ها و بوستان‌ها به خواب زمستانی رفتند.

کرد دهقان، دانه‌ها در زیر خاک

کرد کوتاه، شاخه‌ی پیچان تاک

کشاورز دانه‌ها را در زیر خاک کاشت و شاخه‌های بلند پیچ در پیچ درخت انگور را کوتاه کرد.

فصل پاییز و زمستان می‌رود

بار دیگر، چون بهاران می‌شود

فصل پاییز و زمستان سپری می‌شود و یک بار دیگر، وقتی که فصل بهار می‌آید.....

از زمین خشک، می‌روید گیاه

چشمه می‌جوشد، آب می‌افتد به راه

از زمین خشک گیاه می‌روید و چشمه‌ها می‌جوشند و آب آن‌ها روان می‌شود.

برگ نو آرد، درخت نارون

سبز گردد، شاخساران کهن

درخت نارون دوباره برگ تازه می‌رویاند و شاخه‌های بزرگ قدیمی سبز می‌شوند.

گل بخندد، بر سر گل‌بوته‌ها

پُر کند بوی خوش گل، باغ را

بر سر بوته‌های گل، غنچه‌ای شکوفا می‌شود و بوی خوش این گل، باغ را پر می‌کند.

باز می‌آید پرستو، نغمه‌خوان

باز می‌سازد در اینجا آشیان

دوباره پرستو آوازخوان و شاد می‌آید و در این باغ لانه می‌سازد.